

وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور

صفحه نخست چنדרسانه ای قوانین معرفی سازمان ارتباط با ما میز خدمت الکترونیک

بخشنامه: 200/10624

18 اسفند 1402
Friday, March 8, 2024
26 شعبان 1445

وظایف رؤسای امور مالیاتی در اجرای مقررات ماده 238 قانون مالیاتهای مستقیم

شماره: 10624/200
تاریخ: 07/04/1389
پیوست: دارد

سامانه رسیدگی به شکایات
(موضوع ماده 25 قانون ارتقای
سلامت اداری و مبارزه با فساد)

سامانه دریافت گزارش
فرار مالیاتی

تاریخ سند: 1389/04/07
شماره سند: 200/10624
کد سند: م/ماده 238/1389/024
وضعیت سند: -
امضا کننده: رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور
(علی عسکری)

بازگشت به ماده قانونی

سایر بخشنامه ها

*میز کل مامور تشخیص نمی
باشد*نحوه صحیح تعیین مالیات
مستغلات استیجاری*لزوم ارسال فهرست توافق ها و
آراء صادره به دادستانیدر خصوص نحوه اعمال تعدیل
در برگ تشخیص توسط میز کل
و رعایت مواردی خاصفقدان کسر یا اشکال در امضای
اعتراضات

*وصول درصدی از مالیات

دستورالعمل در خصوص تکريم
مودی ووصول یک دوازدهم

مالیات مصوب دولتی ها و ...

*حل و فصل پرونده ها توسط
میزین کللزوم رعایت تبصره 2 ماده 97 در
مورد ردی دفاتر*در مورد پرونده هاییکه مودی
ادعا مینماید مالیات از غیر مودی
مطالبه شد*نظارت در تشخیص تعدیل
مالیات توسط میزین کل*در خصوص عدول مودی از
توافق با میز کل و امکان طرح
پرونده در هیئتدستورالعمل در خصوص تسری
در رسیدگی عملکرد 83 مالیات بر
ارث

*مرور زمان مالیات حقوق

رسیدگی به پرونده و جلوگیری از
طرح در مراجع بعدی

سایر اسناد مرتبط

بخشنامه

024	89	ماده 238	م
-----	----	----------	---

مخاطبان	موضوع
ادارات کل امور مالیاتی دفاتر و ادارات کل ستادی سازمان	وظایف رؤسای امور مالیاتی در اجرای مقررات ماده 238 قانون مالیاتهای مستقیم
<p>با بررسی هائی که اخیراً به عمل آمده مشاهده می گردد که رؤسای امور مالیاتی به رغم تأکیدات فراوانی که طی بخشنامه های متعدد از جمله بخشنامه های شماره 10085 مورخ 30/3/80 وزارت امور اقتصادی و دارائی و 13370/3326/2991/233 مورخ 5/8/83 سازمان امور مالیاتی کشور در خصوص اعمال نهایت جدیت و کوشش آنها جهت اجرای کامل مفاد ماده 238 قانون مالیاتهای مستقیم و انجام مهمترین وظیفه اختصاصی قانونی خود گردیده، مع الوصف به معاذیر غیر موجه در برخی موارد از انجام این امر مهم خودداری و از این طریق موجب تطویل مراحل رسیدگی به اختلافات مالیاتی و افزایش هزینه های وصول و تاخیر در امر وصول مالیات متعلقه مودیان مربوط می گردند. علیهذا با عنایت به مراتب فوق و لزوم وصل مالیات های پیش بینی شده در قوانین بودجه سنواتی و وظیفه سنگین سازمان امور مالیاتی کشور از این حیث در سال جاری، مقرر می دارد:</p> <p>1- رؤسای امور مالیاتی باید با توجه کامل به مزایا و محسنات قانونی منتهی شدن پرونده ها از طریق آنان، حداکثر تلاش و مساعی خود را بکار برند تا با استفاده از اختیارات قانونی خود مصرح در ماده 238 قانون مالیاتهای مستقیم و به منظور تسریع در قطعیت پرونده های مالیاتی مورد اختلاف و اجتناب از ارجاع آنها به هیأت های اختلاف مالیاتی، در اسرع وقت با استناد به دلایل منطقی و اسناد و مدارک اقامه و ارائه شده توسط مؤدیان محترم به موضوع اختلاف رسیدگی و وفق اختیارات قانونی اتخاذ تصمیم نمایند بطوریکه بیشترین تعداد از پرونده های مورد اختلاف را مورد توافق و حل و فصل قرار دهند.</p> <p>2- با عنایت به تغییرات ایجاد شده در قانون بودجه سال جاری (1389) به لحاظ پیش بینی درآمدهای مالیاتی بدون احتساب مالیات نفت و فرآورده های نفتی و لزوم تحقق درآمدهای مالیاتی پیش بینی شده در قانون مذکور و مالا عزم جدی سازمان امور مالیاتی کشور در این راستا، لازم است رؤسای امور مالیاتی در انجام کامل و صحیح وظیفه خطیر خود در رفع اختلافات مالیاتی پیش بینی شده در ماده 238 یاد شده تلاش جدی نموده و از طریق رسیدگی به اعتراضات مودیان (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی) راساً با بررسی دلایل و اسناد و مدارک و صورتهای مالی و دفاتر آنها یا از طریق صدور قرار رسیدگی و اجرای آن توسط مامورین مالیاتی جزء ابوابجمعی خود و یا عندالاقضاء با درخواست معرفی مامور یا مامورین مالیاتی از اداره کل امور مالیاتی مربوط جهت اجرای قرار و بازدید و تحقیق محلی و هر گونه بررسی قانونی پیرامون دلایل و مستندات مودی و نهایتاً احراز حقایق مودی متقاضی رسیدگی مجدد در تعدیل مبنای مطالبه مالیات یا حتی رفع تعرض مالیاتی و رد برگ تشخیص مالیات صادره، در کوتاهترین زمان و بدون تردید نسبت به رفع اختلاف با مؤدیان ذیربط اقدام و دلایل منجر به تعدیل و یا رد برگ تشخیص مالیات را در ظهر آن قید نمایند.</p> <p>3- رؤسای امور مالیاتی توجه داشته باشند که هیچگونه محدودیت و قیدی جهت تعدیل مبنای مطالبه مالیات به هر میزان که مودی استحقاق قانونی داشته باشد (اعم از اینکه کمتر یا بیشتر از 20 درصد بوده) یا حتی رد برگ تشخیص مالیات در قانون وجود ندارد و تعدیل ماخذ مشمول مالیات محدود به درصد ها و مبالغ معین نمی باشد و اقدام موصوف آنها بر حسب مورد منطبق با قانون و ضروری خواهد بود به طوری که به این مهم در ماده 238 قانون موصوف تصریح شده است. به ویژه آنکه رؤسای مزبور با توجه به آشنائی کافی به وضعیت منطقه و خصوصیات و نوع فعالیت مؤدیان و مراجعه مستمر آنها به واحدهای مالیاتی تحت نظارت خود با آگاهی بیشتری می توانند به وظیفه اساسی مقرر در ماده 238 اقدام و از این طریق ضمن جلوگیری از ارجاع و احاله پرونده مودیان مورد نظر به هیأت های حل اختلاف مالیاتی و تعلق بیشتر جرایم دیر کرد پرداخت مالیات به آنها، موجبات وصول به موقع و کاهش هزینه های وصول مالیات را فراهم</p>	

اطلاعیه ها

قابل توجه فعالان اقتصادی مناطق آزاد
تجاری - صنعتی

اطلاعیه (قابل توجه اشخاص
حقیقی و حقوقی) - اصلاح مواد
فصل دوم آیین نامه اجرایی موضوع
تبصره (3) ماده 169 قانون مالیات
های مستقیم (تسهیل فرایند صدور
شماره اقتصادی برای فعالان اقتصادی)

اطلاعیه- مالیات مقطوع سکه (قابل
توجه اشخاص حقیقی خریدار سکه در
سال 1398)

قابل توجه جایگهداران سوخت-
فراخوان مشمولان مرحله هشتم اجرای
نظام مالیات بر ارزش افزوده

اطلاعیه- قابل توجه موسسات خیریه و
عام المنفعه

فرم نظرسنجی از ارباب رجوع - موضوع
ماده 8 طرح تکريم مردم

آرشیو اطلاعیه ها

آورند.

4- یادآور می شود، برابر مفاهیم حقوقی و رویه رسیدگی، دلایل ابرازی الزاماً محدود به دلایل کتبی نبوده و عموم آن شامل ادله شفاهی و کتبی مشروط بر اینکه دلیل و مستند قاطعی برخلاف آنها موجود نباشد نیز می گردد.

5- رؤسای امور مالیاتی توجیهاً به حدود اختیارات قانونی خود مصرح در ماده 238 قانون مالیاتهای مستقیم که حتی متضمن رد برگ تشخیص مالیات نیز می باشد و با عنایت به اینکه مامورین مالیاتی تحت نظر آنها در اجرای مقررات تبصره 2 ماده 97 قانون مذکور مکلف به تشخیص درآمد مشمول مالیات واقعی مودیان از روی اسناد و مدارک ابرازی یا به دست آمده و دفاتر مردود اعلام شده مودیان می باشند، به طریق اولی در انجام وظیفه اختصاصی موصوف خود می توانند در مواردیکه دفاتر مودیان توسط هیات سه نفره موضوع بند 3 ماده 97 قانون فوق الذکر مردود اعلام گردیده است با بررسی کارشناسی راساً یا از طریق صدور و اجرای قرار توسط مامورین آشنا به امر حسابرسی مالیاتی نسبت به تعیین درآمد واقعی مودیان طبق اسناد و مدارک و دفاتر ابرازی آنان اقدام و اتخاذ تصمیم نمایند.

6- بدیهی است آقایان مدیران کل موقع تشخیص پاداش و اعمال تشویق یا تفریع مقام، عملکرد رؤسای امور مالیاتی را در انجام این قسمت از وظایف آنان مدنظر قرار خواهند داد.

علی عسکری

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

شماره: 13370/3326/2991/233

تاریخ: 05/08/1383

پیوست:

نظر به اهمیت تحقق درآمدهای مالیاتی پیش بینی شده در قانون بودجه سال جاری کل کشور و حسب دستور مقام عالی وزارت، مقتضی است ترتیبی اتخاذ نمایند تا پرونده های مالیاتی اشخاص حقیقی (صاحبان مشاغل) و حقوقی (به ویژه شرکت های دولتی) با برنامه زمان بندی مناسب در اولویت رسیدگی قرار گرفته و اوراق تشخیص مالیاتی در حداقل زمان ممکن ابلاغ گردد. همچنین به منظور تسریع در قطعیت پرونده های مالیاتی یاد شده و کمتر ارجاع پرونده های مالیاتی به هیأت های حل اختلاف، می بایست رؤسای محترم امور مالیاتی در اسرع وقت با استناد به دلایل منطقی و اسناد و مدارک ارائه شده مودیان محترم به موضوع رسیدگی و وفق اختیارات قانونی اتخاذ تصمیم نمایند. لذا شایسته است با نظارت مؤثر و مستمر مراحل صدور، ابلاغ و وصول مالیات های قطعی شده را به حداقل زمان کاهش داده و بصورتی که سهمیه های مالیاتی ابلاغی به آن اداره کل به موقع به حیثه وصول درآید. ضمناً در اجرای مفاد بخشنامه شماره 3095/2749/233 مورخ 20/7/1383 لازم است مالیات های تشخیصی شرکت های وابسته به وزارت صنایع و معادن به فوریت مورد رسیدگی و قطعیت قرار گرفته و فهرست مالیات های قطعی شده و جرائم متعلق را جهت استحضار مقام عالی وزارت از طریق دورنگار 8369045 به دفتر حساب های مالیاتی حوزه معاونت عملیاتی سازمان ارسال نمایند.

غلامرضا حیدری کرد زنگنه

شماره: 14209

تاریخ: 18/08/1383

پیوست:

سازمان امور اقتصادی و دارائی استان

شورای عالی مالیاتی

اداره کل امور مالیاتی استان

دفتر فنی مالیاتی

اداره کل

هیأت عالی انتظامی مالیاتی

دفتر

دادستانی انتظامی مالیاتی

دبیرخانه هیاتهای موضوع ماده 251 مکرر

جامعه حسابداران رسمی ایران

دانشکده امور اقتصادی

سازمان حسابرسی

پژوهشکده امور اقتصادی

برخی از مودیان مالیاتی شکایات و اعتراضات مالیاتی خود را به ویژه در مورد مالیاتهای قطعی شده به دفتر مقام معظم رهبری، ریاست محترم جمهور، و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، کمیسیون اصل 90 قانون اساسی، بازرسی کل کشور، ائمه محترم جمعه و جماعات، وزیر محترم امور اقتصادی و، تقدیم و تقاضای عطف توجه و رسیدگی و دادخواهی مینمایند. این قبیل شکایات و اعتراضات برای رسیدگی و اظهار نظر از طرف سازمان به ادارات کل امور مالیاتی ذیربط احاله میگردد. بعضاً مشاهده میشود ادارات کل امور مالیاتی، شکایات مزبور را برای رسیدگی و اظهار نظر به همان واحدی که مودی از اقدامات آن شاکي و معترض شده است احاله نموده، سپس پاسخ واحد مذکور را که در اکثر قریب باتفاق موارد حاکی از شرح جریان پرونده و توجیه و دفاع واحد مورد شکایات از اقدامات خود میباشد بدون هیچگونه اظهارنظری طی نامه ای به سازمان ارسال مینمایند که بدین ترتیب کشف حقیقت و پاسخگویی موجه و مستدل متعذر شده

و علاوه بر اینکه موجب رفع مشکل نمیشود، بلکه سبب افزایش نارضایتی و استمرار و ادامه شکایات مودیان به مراجع متعدد میگردد.

در حالی که مدیران کل محترم باید دانسته باشند، بلحاظ اصول و قواعد شناخته شده اداری از حیث لزوم رعایت بیطرفی و صلاحیت مرجع رسیدگی، ارجاع شکایت برای رسیدگی و اظهارنظر به واحدی که از اقدامات آن شکایت شده است موجه نمیشود.

بنابراین با توجه به موارد فوق، به منظور رعایت اصول عدالت و بیطرفی و صلاحیت رسیدگی و در نتیجه امکان پاسخگویی موجه و مستدل و قانونی سازمان به این دسته از شکایات و اعتراضات موکداً مقرر میشود:

مدیران کل محترم امور مالیاتی ذیربط شکایات مزبور را با توجه به اهمیت موضوع و منبع مالیاتی مربوط و با ملاحظه قطعیت یا عدم قطعیت مالیات مورد شکایت، جهت رسیدگی و اعلام نظر دقیق و صحیح به کارکنانی که از حیث عنوان شغلی و دانش و تجربه و تبحر در کار بالاتر از مامور یا مامورانی باشند که اقدامات آنها موجب شکایت شده است و بین آنان نیز از نظر اداری رابطه مافوق و مادون وجود نداشته باشد محول و گزارش رسیدگی را که باید از جهات مورد شکایت کامل و منطبق با مقررات باشد به انضمام اظهارنظر نهائی خود به سازمان ارسال نمایند، البته چنانچه براساس گزارش رسیدگی، شاکي محقق تشخیص داده میشود لازم است ضمن اظهارنظر نهائی طرق ممکنه و قانونی احاق حق شاکي نیز اعلام گردد.

لزوماً متذکر میشود در مواردی که برای رسیدگیهایی تخصصی به شکایات ارجاعی بهر دلیل امکان استفاده از کارکنان واجد شرایط به شرح فوق در اداره کل امور مالیاتی وجود نداشته باشد، مراتب را اعلام نمایند تا حسب مورد نسبت به انتخاب و اعزام ماموران ذیصلاح از سازمان اقدام یا دستور ارسال پرونده مالیاتی مورد شکایت از اداره کل امور مالیاتی به سازمان صادر و ابلاغ گردد.

غلامرضا حیدری کرد زنگنه

شماره: 17504

تاریخ: 29/03/1380

پیوست:

نظر به اینکه به موجب بند (س) تبصره 5 قانون بودجه سال 1380 کل کشور، وصول سه در هزار درآمد مشمول مالیات از اشخاص حقیقی و حقوقی دارای کارت بازرگانی، حسب مورد به عهده اتاقهای تعاون و بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران گذاشته شده است، لذا مقرر می دارد:

1- حوزه های مالیاتی در سال جاری هنگام مراجعه دارندگان کارت بازرگانی به منظور اخذ تسویه حساب مالیاتی، ضمن تعیین میزان بدهی مؤدی از بابت سه در هزار درآمد مشمول مالیات مراتب را حسب مورد به اتاقهای تعاون و بازرگانی و صنایع و معادن اعلام نمایند.

2- حوزه های مالیاتی و ادارات امور اقتصادی و دارایی هنگام صدور تسویه حسابهای مؤدیان مالیاتی دارای کارت بازرگانی، اصل فیش وارزیمبلغ سه در هزار درآمد مشمول مالیات که حسب مورد به حساب و تأیید اتاقهای تعاون و بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران رسیده است، دریافت نمایند.

علی اکبر عرب مازار معاون درآمدهای مالیاتی

شماره: 10085

تاریخ: 30/03/1380

پیوست:

نظر به اینکه توسعه فرهنگ مالیاتی، تشخیص صحیح و مطالبه مالیاتها مطابق قوانین موضوعه، افزایش اعتماد مودیان محترم به مجریان مقررات و نظام مالیاتی، تشویق و فزونی انگیزه آنها به انجام وظایف قانونی در موعد مقرر، رحل و فصل سریع و عادلانه اختلافات مالیاتی موجود بر اساس واقعیت و همچنین کاهش روند اختلافات مالیاتی در آینده، از هر حیث حائز اهمیت و مورد توجه مخصوص است، لذا به منظور تحقق اهداف مذکور مقرر می شود:

عموم مأمورین تشخیص و مراجع حل اختلاف مالیاتی و سایر کارکنان وزارتخانه که به نحوی از انجام در امور مالیاتی ذیمدخل هستند، حسب مورد با رعایت دقیق و کامل مفاد این دستورالعمل انجام وظیفه نمایند.

الف: شناسایی فعالیت، نحوه تشخیص و مطالبه مالیات از مؤدیان

1- در مراجعات به محل فعالیت یا تحصیل درآمد مؤدیان محترم برای انجام تحقیقات و کسب اطلاعات و اجرای صدر ماده 229 و همچنین در مواقع مراجعه آنها به محل اداره برای انجام امور قانونی، رعایت تعالیم اخلاقی ویژه کارکنان دولت جمهوری اسلامی ایران که متضمن رفتار محترمانه توأم با حسن خلق، شکیبایی، سعه صدر و اجتناب از ایراد هر گونه سخن یا اقدامی که حاکی از پیشداوری غیر مستند و ناصواب می باشد از هر جهت ضروری بوده و قویاً مورد تأکید است، اجابت خواسته های قانونی مؤدیان در اسرع وقت، وظیفه بسیار مهمی است که هیچگونه تعلل و تأخیری نسبت به آن جایز نبوده و پذیرفته نخواهد شد.

2- رده های مختلف مأمورین تشخیص در تحقیقات و رسیدگیهای محوله و تصمیمات متخذه و تنظیم گزارشها و سایر اموری که عهده دار هستند، باید دقت کافی مبذول و تکالیف خود را با رعایت کامل قوانین و آیین نامه سازمان تشخیص که به موجب آنها وظایف و اختیارات مخصوصه هر یک از رده های مأمورین تشخیص معین شده است انجام دهند. موکداً متذکر می شود، لازم است ممیزین کل مالیاتی حسب وظایف قانونی خود بر نحوه انجام وظیفه و اقدامات مأمورین تحت سرپرستی خود به طور تمام و کمال نظارت و اعمال مدیریت نموده و از اقدامات غیر موجه و خلاف مقررات عوامل زیر نظر خود با راهنمایی اصول پیشگیری و به ویژه با تعلیم و ارشاد به موقع مأمورین تشخیص تحت سرپرستی ترتیبی فراهم آورند که گزارشها و اوراق تشخیص مالیات بر اساس واقعیت و رعایت و مقررات تنظیم و صادر شود تا منتهی به جلب اعتماد بیشتر مؤدیان و کاهش اختلافات مالیاتی گردد.

3- برگ تشخیص مالیات و گزارش مبنای صدور آن مربوط به هر یک از منابع مالیاتی که باشد، باید واجد کیفیات و اختصاصات مقرر در ماده 237 قانون بوده و در موارد تشخیص علی الراس، گزارش رسیدگی باید با رعایت کامل و دقیق شرایط مقرر در ماده 98 تنظیم گردد. بدیهی است در مواردیکه مؤدیان محترم از نحوه تشخیص مالیات استعلام می نمایند، امضاء

کنندگان برگ تشخیص مکلفند وفق قسمت اخیر ماده 237 جزییات گزارش مبنای صدور برگ تشخیص را به آنها اعلام و توضیحات مورد نیاز را بدهند.

4- ابلاغ اوراق مالیاتی به خصوص ابلاغ درخواست ممیز مالیاتی از مؤدی برای آماده کردن دفاتر قانونی و اسناد و مدارک و ارایه آن در محل کار به ممیز(موضوع بند 2 ماده 97 و صدر ماده 229) و اوراق تشخیص مالیات و آراء هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و شعب شورای عالی مالیاتی که هر یک از آنها حسب مورد و شرایط خاص متضمن لزوم انجام وظایف و یا استفاده از اختیارات قانونی از طرف مؤدی در مواعید معینه می باشد، بسیار حائز اهمیت است. به همین جهت و با توجه به اصلاح تبصره ماده 203 قانون مالیات‌های مستقیم در مورد نحوه ابلاغ اوراق مالیاتی، وظیفه قانونی، شرعی، وجدانی و اخلاقی مأمورین که عهده دار ابلاغ اوراق مالیاتی می باشند، سنگینتر از قبل از اصلاحیه مزبور شده و لازم است حداکثر مساعی خود را اعمال و جداً کوشش نمایند که اوراق مالیاتی به شخص مؤدی یا بستگان یا مستخدمین او یا اشخاص مقرر در مواد 205 و 206 حسب مورد و به ترتیب مقرر در قانون ابلاغ و حتی المقدور از اقدام به ابلاغ قانونی با استفاده از تبصره اصلاحی ماده 203 اجتناب و در مواردیکه استفاده از تبصره مزبور برای ابلاغ اوراق مالیاتی ضروری باشد، لازم است مراتب صحت وقوع ابلاغ به ترتیب مذکور به تأیید مافوق بلافاصل و مقام بعد از مافوق بلافاصل ابلاغ کننده در ممیز کلی مربوط برسد. در هر حال باید توجه شود هر گاه مؤدی به هر طریق ممکن ثابت نماید اوراق مالیاتی مطابق موازین قانونی ابلاغ نشده است، حسب مورد ممکن است به لحاظ حصول مرور زمان مالیاتی متضمن ورود خسارت به دولت یا تضییع حقوق قانونی مؤدی بشود که قطعاً در چنین مواردی مأمورین مربوط مسئول عواقب قانونی و جبران خسارت وارده حسب احکام صادره قانونی خواهند بود.

بنابراین به منظور اجتناب از بروز مشکلاتی که ممکن است سبب تضییع حقوق مؤدیان یا دولت شود، لازم است ممیزین کل مالیاتی به حکم قسمت اخیر ماده 223 مستمراً بر نحوه ابلاغ اوراق مالیاتی نظارت و از صحت وقوع ابلاغ به ترتیب مقرر در قانون و رعایت شرایط مذکور فوق اطمینان حاصل نموده و موارد تخلف را بدون فوت وقت و با رعایت سلسله مراتب اداری از دادستانی انتظامی مالیاتی گزارش نمایند. بدیهی است در غیر این صورت و ثبوت تعلل و مسامحه در این امر مهم که یکی از ارکان اساسی تشخیص و قطعیت و وصول مالیات و مختومه شدن پرونده های مالیاتی است، مسئول تبعات آن خواهند بود.

موضوع دیگری که در امر ابلاغ مورد توجه و حائز اهمیت است ابلاغ اوراق مالیاتی مانند برگ مالیات قطعی و آراء هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و شعب شورای عالی مالیاتی است که ضمن قانون مالیات‌های مستقیم مهلتی جهت ابلاغ آنها مشخص نشده است بدین لحاظ از جهت تسریع در امور حفظ حقوق مؤدیان لازم است اوراق مزبور حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ صدور به مؤدیان ذریبٹ ابلاغ شود.

دادستانی انتظامی مالیاتی موظف است با استفاده از عوامل در اختیار به طور مرتب و مستمر بر صحت ابلاغ اوراق مالیاتی و رعایت مهلت های تعیین شده نظارت و موارد تخلف را پیگیری و اقدام مقتضی به عمل آورد.

5- اشخاص حقیقی مشمول ماده 96 قانون مالیات‌های مستقیم و اشخاص حقوقی اکثرآدر اجرائی وظایف قانونی خود از نظر مالیاتی، برای نگاهداری و تحریر و تنظیم دفاتر قانونی موضوع ماده 95 و ارایه آنها به مراجع مالیاتی، همه ساله متحمل هزینه های قابل توجهی می شوند. لذا مقتضی است مأمورین تشخیص از اعلام نظر مبنی بر غیر قابل رسیدگی بودن دفاتر و اسناد و مدارک ابرازی آنها برای محاسبه درآمد مشمول مالیات یا رد دفاتر و اسناد و مدارک مؤدیان موصوف به استناد ایرادات غیر اصولی یا دلایل ضعیف به هیأت‌های سه نفره موضوع بند 3 ماده 97 حتی الامکان خودداری و درآمد مشمول مالیات این قبیل مؤدیان را از طریق رسیدگی به دفاتر و اسناد و مدارک ابرازی تشخیص دهند تا از دلسردی و ایجاد یاس در آنها پیشگیری شده به استمرار نگاهداری دفاتر قانونی و ارایه آن به مراجع مالیاتی که بالمال در کسب اطلاعات درآمدی اشخاص ثالث نیز موثر است تشویق و ترغیب شوند.

6- هیأت‌های سه نفره موضوع بند 3 ماده 97 که علی الاصول در امر حسابرسی متخصص هستند، مکلفند در قبال اعلام نظر مأمورین تشخیص مبنی بر غیر قابل رسیدگی بودن دفاتر و اسناد و مدارک ابرازی برای محاسبه درآمد مشمول مالیات یا رد آنها به علت عدم رعایت موازین قانونی و آیین نامه مربوط، با دید مثبت و مساعد و رعایت کلیه جوانب امر و توجه کامل به دلایل و اسناد و مدارک ابرازی و استماع دقیق اظهارات و دفاعیات و شرایط خاص و امکانات و بررسی توانایی حدود اعمال اراده و اختیارات هر مؤدی و نوع فعالیت وی و اهمیت موضوع نسبت به مورد اتخاذ تصمیم و اظهار نظر نمایند و حتی المقدور از تأیید نظر مبتنی بر ایرادات غیر اصولی و دلایل ضعیف و قابل اغماض مأمورین تشخیص که موجب خلل در تشخیص درآمد واقعی نمی شود اجتناب و مأمورین تشخیص ذریبٹ را جهت رسیدگی و تشخیص درآمد مشمول مالیات از روی دفاتر و اسناد و مدارک مؤدیان راهنمایی و ارشاد نمایند، مگر آنکه غیر قابل رسیدگی بودن دفاتر و اسناد و مدارک برای محاسبه درآمد مشمول مالیات و قابل رفع نبودن اشکال رسیدگی از هر حیث مسلم و یا عدم رعایت ارادی و عمدی موازین قانونی و آیین نامه از طرف مؤدی، اتخاذ تصمیم به رد دفاتر و تشخیص علی الراس را بدون تردید اجتناب ناپذیر نمایند.

ب: چگونگی و مراحل رفع اختلافات مالیاتی

به طور کلی در مواردیکه مؤدیان محترم مالیاتی وظایف قانونی خود را در مواعید معینه و به ترتیب مقرر در قانون و به طرز صحیح انجام و مالیات متعلقه را پرداخت یا ترتیب پرداخت آن را داده باشند، به نحوی که ترازنامه و حساب سود و زیان تسلیمی در مورد اشخاص حقوقی و مشمولین ماده 96 و اظهارنامه یا فهرستهای تسلیمی در مورد سایر مؤدیان و دیگر منابع مالیاتی عیناً مورد قبول مأمورین تشخیص قرار گرفته باشد، اساساً نیازی به صدور و ابلاغ برگ تشخیص مالیات نبوده و عندالافتضاء مبادرت به صدور برگ مالیات قطعی و ابلاغ و ارسال آن به مؤدی ذریبٹ و مقاصد مختلف و مختومه کردن پرونده امر می شود.

بنابر اوصاف فوق صدور و ابلاغ برگ تشخیص در مورد اشخاص حقوقی و مشمولین ماده 96 معطوف به یکی از موارد سه گانه تشخیص علی الراس مذکور در ماده 97 یا قبول دفاتر و اسناد و مدارک ابرازی و عدم پذیرش برخی از هزینه ها و اصلاحاً برگشت آن هزینه ها از حساب هزینه های قابل قبول و افزودن آنها به سود یا زیان ابرازی مؤدیان مزبور و در مورد سایر مؤدیان و دیگر منابع مالیاتی معطوف به عدم تسلیم اظهارنامه مالیاتی یا فهرست در مواعید مقرر یا عدم قبول مندرجات اظهارنامه و فهرست تسلیمی به دلایل مذکور در قانون می باشد.

در هر حال صدور و ابلاغ برگ تشخیص مالیات معطوف به هر یک از موارد فوق که باشد، در صورتی که مبتنی بر رعایت کامل مقررات موضوعه از جانب ممیز و سر ممیز مربوط بوده و برگ تشخیص و گزارش مبنای صدور آن واجد کیفیات و اختصاصات مندرج در ماده 237 باشد، انتظار می رود مورد قبول مؤدیان محترم واقع و نسبت به پرداخت مالیات متعلقه اقدام و پرونده امر مختومه شود، اما بانظر به تفاوت استنباط مأمورین تشخیص و مؤدیان مالیاتی از مفاد قانون در مورد معافیت های مالیاتی و هزینه های قابل قبول و استهلاکات و سایر مسائل در موارد قبول دفاتر و با ملاحظه اینکه در موارد تشخیص علی الراس انجام تکالیف کامل و جمع آوری اطلاعات دقیق، غالباً به لحاظ وقوع فاصله زمانی با سال عملکرد مورد تحقیق و رسیدگی و امساک برخی از مطلعین از دادن اطلاعات موثق مواجه با مشکل می شود و با توجه به اینکه ممکن است در فرآیند تشخیص علیرغم تلاش و دقت مأمورین ذریبٹ، به دلایل متعددی استنباط غیر موجه یا اشتباهاتی رخ دهد که بالمال موجب عدم تطبیق برگ تشخیص مالیات با صفات و اختصاصات مقرر در ماده 237 شده و منتهی به اعتراض و تجدید نظر خواهی تعدادی از مؤدیان گردد، لذا مقنن با عنایت به جهات فوق مراحل و طرق متعددی را جهت رسیدگی به اعتراضات و رفع اختلافات مالیاتی و مختومه شدن پرونده های مورد اختلاف پیش بینی و مقرر نموده است که درمورد هر یک از مراحل و

طرق باید موازین آتی الذکر رعایت تا اختلافات ایجاد شده در اسرع وقت رفع و حتی الامکان از احاله پرونده های مورد اختلاف به مراجع بعدی اجتناب و اصولاً بروز اختلافات بتدریج کاهش یابد.

1-7- رفع اختلاف توسط ممیزین کل مالیاتی:

یکی از وظایف مهم و اختصاصی ممیزین کل مالیاتی و بلکه مهمترین وظیفه آنها به موجب ماده 238 قانون رسیدگی به تقاضای رسیدگی مجدد مؤدیانی است که پس از ابلاغ برگ تشخیص به آنها برای رفع اختلافات خود با ممیز یا سر ممیز مربوط شخصاً یا بوسیله وکیل تام الاختیار خود در موعد مقرر قانونی به ممیزین کل مالیاتی مراجعه می نمایند، در این روش از حل اختلاف مالیاتی، برای ممیزین کل مالیاتی، با توجه به مهلت سی روزه ای که به موجب ماده مزبور برای رسیدگی به اختلاف منظور شده است، امکان رسیدگی به دفاتر و اسناد و مدارک رأساً یا از طریق صدور قرار رسیدگی و همچنین بازدید و تحقیق محلی در فرصت مقرر و توجه کامل به موارد اعتراض و دفاعیات مؤدی و دیگر انواع بررسی حسب مورد بر اساس نوع منبع مالیاتی و در نهایت اتخاذ تصمیم مناسب و توافق با مؤدی مطابق مقررات موجود است و از طرفی پس از رسیدگی مجدد و احراز این مطلب که مؤدی متقاضی رسیدگی مجدد، از حیث مقررات مالیاتی استحقاق تعدیل مبنای مالیات یا حتی رفع تعرض مالیاتی و رد برگ تشخیص را دارد، هیچگونه محدودیت و قیدی جهت تعدیل مبنای مالیات به هر میزان که مؤدی استحقاق قانونی داشته باشد (اعم از این که کمتر یا بیشتر از 20 درصد باشد) در قانون وجود ندارد و بلکه به این مهم در ماده 238 تصریح شده است. مع الاسف به قرار مسموع برخی از ممیزین کل علی رغم امکانات و تسهیلات مشروح فوق نسبت به اجرای این مهمترین وظیفه خود که موجب تسریع در قطعیت مالیات و مختومه شدن پرونده امر و وصول به موقع مالیات و جلب رضایت مؤدیان و بخشودگی قانونی هشتاد درصد جرایم مالیاتی آنها و قطع مراحل بعدی پرونده امر می شود تغلل نموده و به جای آنکه خود و مامورین تحت نظارت آنها عامل تشویق و ترغیب مؤدیان برای مراجعه نزد ایشان و رفع اختلافات و قطعیت توافقی مالیات شوند، بالعکس در موقع مراجعه مؤدیان جهت رسیدگی و حل اختلاف و توافق، با معاذیر مختلف و غیر موجه از ورود در موضوع و توجه به دلایل و مدارک و استماع اظهارات آنها خودداری، یا برخلاف حکم قسمت اخیر ماده 238 از انعکاس دلایل و علل عدم امکان رفع اختلاف در ظهر برگ تشخیص امتناع، یا علیرغم احراز استحقاق مؤدی به تعدیل مبنای مالیات به میزان بیش از 20 درصد بر اساس قراین و شواهد و دلایل و اسناد و مدارک، با عنوان نمودن این مطلب که اجاره قانونی به تعدیل بیش از 20 درصد ندارند، مراجعین متقاضی رسیدگی و رفع اختلاف را من غیر حق به هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی دلالت می نمایند و این در حالیست که ممیزین کل مالیاتی با توجه به آشنایی کافی به خصوصیات و نوع فعالیت مؤدیان و مراجعه مستمر آنها به واحد های مالیاتی تحت نظارت با آگاهی بیشتری می توانند به قطعیت توافقی مبنای مالیات که متضمن مزایای فوق‌الاشاره و اجتناب از تأخیر در قطعیت مالیات و مضار آن است اقدام نمایند.

لذا می‌آید آور می شود، برابر مفاهیم حقوقی، دلایل ابرازی الزاماً به معنای دلایل کتبی نبوده و عموم آن شامل ادله شفاهی و کتبی مشروط بر اینکه دلیل یا مستندی بر خلاف آنها موجود نباشد نیز می گردد، لذا چنانچه بر اساس رسیدگی و احراز واقعیت به ترتیب فوق‌الاشاره مؤدی استحقاق تعدیل مبنای مالیات را به هر میزانی داشته باشد، بایستی بدون تغلل و تردید نسبت به تعدیل اقدام شود و در هر حال لزوم اجرای تبصره 1 ماده 238 نباید موجبی در جهت عدم اقدام به تعدیل مبنای مالیات مؤدی در صورت استحقاق وی باشد.

بدیهی است دادستانی انتظامی مالیاتی از حیث تکالیف قانونی خود نسبت به تعقیب مامورینی که تعدماً مرتکب خطا شده باشند اقدام خواهد نمود، لکن در موارد یکه ممیزین مالیاتی مبنای مالیات مؤدیان را بر اساس اطلاعات و اسناد و مدارک و قراین و ضرایبی تشخیص داده باشند که بعداً در مرحله توافق با ممیز کل به موجب دلایل و مدارک ابرازی مؤدی به ممیز کل (که در موقع تشخیص مبنای مالیات توسط ممیزین ارایه نشده است یا در دست نبوده است) معلوم شود مستندات قبلی ممیزین با توجه به دلایل و مدارک ابرازی جدید نزد ممیز کل مالیاتی صحیح نبوده است و مطابق آنها مؤدی استحقاق تعدیل مبنای مالیات یا حتی رفع تعرض مالیاتی را داشته است، تعدیل یا رفع تعرض حسب مورد ضروری بوده و در این صورت خطای عمدی صورت نگرفته است که موجب مجازات مامورین تشخیص باشد. البته ممیزین کل توجه خواهند داشت چون تا به حال تعیین ضریب نسبت به کلیه قراین مالیاتی مذکور در ماده 152 قانون مالیات‌های مستقیم به جز فروش و دریافتی مقدور نگردیده و از طرفی امکان دارد اعمال ضرایب مذکور به تنهایی نتواند در تمام موارد نسبت به کلیه مؤدیان شاخص صحیح و حقیقی از درآمد مشمول مالیات با توجه به شرایط متفاوت موجود برای هر مؤدی در دوره عملکرد مورد رسیدگی به دست دهد، لذا چنانچه تعیین درآمد مؤدی توسط مامور تشخیص را بر اساس اعمال ضرایب مذکور با توجه به دلایل و اسناد و مدارک مؤدی، واقعی تشخیص ندهند، حسب اختیارات قانونی که دارند، ملزوم به تعیین درآمد واقعی و مالیات عادلانه مؤدی از طریق رسیدگی و تحقیق و توجه به دلایل و مدارک مؤدی و نهایتاً قطعیت توافقی مالیات مطابق واقعیت خواهند بود.

در خاتمه این بند از دستورالعمل با تذکر این مطلب که بررسی ها و مطالعات انجام شده حاکی از آن است که چنانچه ممیزین کل مالیاتی این وظیفه مهم و اختصاصی خود را با پذیرش کامل مسئولیت و به درستی و با دقت نظر و دلسوزی انجام دهند اکثر اختلافات مالیاتی توسط آنها قابل حل و فصل بوده و منتهی به قطعیت توافقی مالیات می شود و فقط تعداد قلیلی از پرونده های مورد اختلاف به لحاظ دارا بودن جنبه های ویژه حقوقی و قضایی و به مناسبت اینکه متضمن اشکالات و پیچیدگی های خاصی هستند محتاج احاله به هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و احتمالاً استفاده از نظریات کارشناسان و متخصصین سطوح عالی می باشند و با اعلام مجدد اینکه ممیزین کل مالیاتی با احراز واقعیت هیچگونه محدودیتی از حیث درصد تعدیل مبنای مالیات در مقام اجرای صحیح قانون و اقامه حق ندارند، مقتضی است و انتظار دارد ممیزین کل مالیاتی با نظارت کامل بر ابلاغ صحیح اوراق تشخیص به مؤدیان و متعاقباً با قیام مجدانه به انجام وظیفه مهم رفع اختلافات مالیاتی موجبات جلب رضایت مؤدیان محترم و بخشودگی قانونی جرایم مالیاتی آنها و تسریع در وصول مالیات‌ها را در اسرع وقت فراهم نمایند، تا نیاز به اتخاذ تصمیمات دیگری نباشد. بدیهی است درجه توانایی و کارآیی ممیزین کل مالیاتی در رفع اختلافات مالیاتی و مختومه کردن پرونده ها در وضعیت خدمتی آینده آنها و احراز سمت های بعدی موثر خواهد بود.

2-7- رفع اختلافات توسط هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی

هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی که متشکل از قضات شریف دادگستری و نمایندگان مجرب وزارت امور اقتصادی و دارایی و حسب مورد نمایندگان محترم نظام پزشکی، کانون وکلاء، کانون سر دفتران، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شورای مرکزی اصناف یا یکی از معتمدین محل بصیر و مطلع در امور مالیاتی رشته مخصوص به هر نوع فعالیت به انتخاب فرماندار محل هستند از جهت رسیدگی به موارد اعتراض مؤدیان محترم مالیاتی از جایگاه ویژه و اختیارات وسیعی بیش از ممیز کل مالیاتی برخوردار بوده و انتظار می رود با استفاده از اختیارات قانونی خود در صدور آراء مبتنی بر ماخذ واقعی و تعیین مالیات عادلانه که موجب رضایت و افزایش اعتماد و اطمینان مؤدیان به نظام مالیاتی می شود کوشش نموده و از همکاری مجدانه دریغ نوزند و اگر چه معتقد است هر یک از اعضاء محترم هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی حسب مورد از دانش حقوقی و اطلاعات تخصصی مربوط به مقررات مالیاتی و خبرویت در خصوص پرونده های مالیاتی مطروحه در سطح مطلوب و مورد نیاز بهره مند هستند، از حیث نیل به مقصود و ایضاح مطلب لازم می داند مواردی را ذیلاً یادآور و اجرای آنها را تأکید نماید.

1-2-7- برخی از هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی آنطور که باید و شاید از اختیارات قانونی خود برای رفع اختلافات مالیاتی و صدور آراء موافق و مقررات عادلانه استفاده نمی کنند و در موارد تشخیص علی‌الراس معطوف به رد دفاتر بر اساس نظریه هیأت سه نفره موضوع بند 3 ماده 97 از توجه به دفاعیات مؤدی که دفتر او مردود شده خودداری نموده و نظریه هیأت مزبور

مبني بر رد دفاتر را امری يقيني و قطعي تلقي مي نمايند، حال آنکه همانطورکه قبلاً به اختيارات وسيع و قانوني هيأتهاي حل اختلاف مالياتي تصريح شد و به دلالت تبصره 3 ماده 21 آيين نامه نحوه تنظيم و تحرير و نگاهداري دفاتر قانوني موضوع تبصره يك ماده 95 قانون، هيأتهاي حل اختلاف مالياتي عليه‌رغم رد دفاتر توسط هيأت سه نفره موضوع بند 3 ماده 97، بايد به موارد اعتراض و دفاعيات مؤدي در خصوص رد دفاتر توجه و عنايت كافي مبذول و با ملاحظه اينکه اظهار نظر هيأت مذکور نوعاً محدود به اقامه دلايل عنوان شده از طرف مميز و سر مميز ذيربط بوده و به لحاظ ماهيت امر از اختيارات قانوني هيأتهاي حل اختلاف مالياتي برخوردار نمي باشد، در صورتي که حصول واقعييت و تعيين درآمد واقعي با قبول دفاتر ملازمه داشته و اعتراضات و دفاعيات مؤدي نيز در ماهيت موضوع رد دفاتر قريب صحت و واقعييت باشد، قبول دفاتر توسط هيأتهاي حل اختلاف مالياتي نه تنها مغاير مقررات نخواهد بود بلکه مورد نظر مقنن نيز مي باشد، در اين خصوص نظر هيأتهاي حل اختلاف مالياتي را از جهت اتخاذ ملاک قانوني به مفاد تبصره ماده 169 قانون جلب مي نمايد، به طوريکه ملاحظه مي شود، طرف اعلام عدم رعايت موارد مذکور در ماده 169 توسط مؤدي از طرف مميز مالياتي موجب بي اعتباري دفاتر شده و هيأت سه نفره موضوع بند 3 ماده 97 نظر به بي اعتباري دفاتر (رد دفاتر) مي دهد و از اين حيث براي قبول دفاتر اختياري ندارد، حال آنکه رسيدگي به اعتراض مؤدي و تشخيص خارج از عهده مؤدي بودن عدم رعايت موارد مذکور در ماده 169 و عندالاقضاء قبول و معتبر قلمداد کردن دفاتر از وظايف و اختيارات انحصاري هيأتهاي اختلاف مالياتي مي باشد و به طور مسلم با توجه به آيين نامه موضوع تبصره 1 ماده 95 موارد مشابهي که در قانون و آيين نامه به آن تصريح نشده است وجود دارد و حالات مختلفی حادث مي شود که هيأتهاي حل اختلاف مالياتي با اختياري که از حيث ورود به ماهيت دارند مي توانند رأي به قبول دفاتر و تشخيص درآمد بر اساس دفاتر و اسناد و مدارک ابرازي مؤدي صادر نمايند و نبايد از اين بابت هيچگونه نگراني خاطر و ترديدي داشته باشند.

2-2-7- بعضي از هيأتهاي حل اختلاف مالياتي صرف عدم انجام تکاليف مقرر در بند يك يا دو ماده 97 توسط مؤدي مالياتي را که از طرف مامورين مالياتي ذيربط (مميز و سر مميز مالياتي) منتهي به تشخيص علي الراس مي شود، محمول بر اسقاط وظايف قانوني خود از حيث رسيدگي و توجه به موارد اعتراض مؤدي محسوب و بدون عنايت به دفاعيات اساسي مؤدي و اعلام وي مبني بر اينکه دفاتر و اسناد و مدارک با رعايت مقررات مربوط تهيه و تنظيم و تحرير و امکان تعيين درآمد واقعي از روي دفاتر و اسناد و مدارک وجود دارد، برخي مواقع با تعديل ماخذ ماليات بر اساس دلايل ديگر و بعضي موارد با تاخير برگ تشخيص مبادرت به صدور رأي مي نمايند، حال آنکه به دلالت حکم قسمت اخير ماده 229 مراجع حل اختلاف مالياتي نه تنها از استناد به اسناد و مدارک ارايه شده از طرف مؤدي براي تشخيص درآمد واقعي منع نشده اند، بلکه نظر مقنن و روح قانون همواره معطوف به تعيين درآمد واقعي بوده و مي باشد، لذا اگر حصول به اين مقصود از طريق استناد به اسناد و مدارک و دفاتر ارايه شده از طرف مؤدي امکان پذير باشد، استفاده از آن موافق مقررات خواهد بود، لزوماً اضافه و تاکيد مي شود بر خلاف تصور برخي از هيأتهاي حل اختلاف مالياتي حکم قسمت اخير ماده 229 در خصوص تعيين درآمد واقعي از حيث موازين حقيقي از باب اختيار نبوده و به لحاظ تاکيد مقنن بر تعيين درآمد واقعي از الزامات قانوني است، زيرا تفوه به اختياري بودن اجرائي حکم مذکور موجب تشمت آراء و تفاوت رويه اجرائي مقررات و اعمال سليقه هاي اختياري و گوناگون توسط هيأتهاي حل اختلاف مالياتي و بالمال دوري از عدالت مالياتي که هرگز موافق نظر مقنن نبوده و نخواهد بود، مي گردد و در هر حال حسب قسمت اخير ماده 229 استناد به اسناد و مدارک مؤدي براي تعيين درآمد واقعي از الزاماتي است که به موجب اجرائي صحيح قانون، اقامه حق و جلب اعتماد مؤديان و نهايتاً وصول ماليات حقه خواهد شد و بايد همواره مورد توجه خاص هيأتهاي حل اختلاف باشد.

3-2-7- هيأتهاي حل اختلاف مالياتي اعم از بدوي و تجديد نظر و همعرض موضوع ماده 257 و عندالاقضاء هيأت موضوع ماده 216 پس از رسيدگيهاي قانوني و لازم از طرق مختلف و حصول نتيجه مبني بر لزوم تعديل ماخذ ماليات، به هر ميزان که باشد، هيچگونه محدوديت قانوني ندارند و مفاد بند 2 ماده 247 مبني بر توانايي مامورين تشخيص به اعتراض به آراء هيأتهاي حل اختلاف مالياتي که متضمن بيش از 20 درصد اختلاف با ماخذ محاسبه ماليات مندرج در برگ تشخيص باشد و همچنين مفاد ماده 251 مبني بر امکان اعتراض مميز کل به شوراي عالي مالياتي نبايد به هيچ وجه موجب عدم تعديل ماخذ ماليات به ميزاني که مؤدي استحقاق قانوني داشته است بشود.

مضافاً مفاد بند مذکور و ماده ياد شده الزامي نبوده و چه بسا در صورتيکه مامورين تشخيص داراي اختيارات قانوني هيأتهاي حل اختلاف مالياتي بودند و اسناد و مدارک و دلايلي را که مؤدي در محضر هيأت حل اختلاف مالياتي به آنها استناد کرده است، در اختيار داشتند، همان ماخذ مالياتي را تعيين مي کردند که مورد نظر و رأي هيأت حل اختلاف قرار گرفته است، ضمناً ياد آور مي شود:

همانطور که در قسمت مربوط به مميزين کل مالياتي اين دستور العمل تاکيد شد، دلايل ابرازي الزاماً به معنای دلايل کتبي نبوده و عموم آن شامل ادله کتبي و شفاهي در صورتيکه دليل يا مستندي بر خلاف آنها موجود نباشد نيز مي شود و موارد مربوط به قرابين و ضرايب مالياتي مندرج در آن قسمت، توسط هيأتهاي حل اختلاف مالياتي براي تشخيص درآمد واقعي نيز لازم الرعايه است.

4-2-7- به طوريکه ملاحظه مي شود عليه‌رغم آنکه بسياري از پرونده هاي مالياتي مورد اختلاف، هنگام طرح در هيأتهاي حل اختلاف، حسب محتويات پرونده و اسناد و املاک و دلايل ابرازي و دفاعيات مؤدي آماده اتخاذ تصميم و معد صدور رأي مي باشد، برخي از هيأتهاي حل اختلاف مالياتي به ويژه در مواردی که تشخيص مي دهند بايد نسبت به تعديل ماخذ ماليات رأي صادر نمايند، عمدتاً به مقصود ايجاد اشتراک مسئوليت مبادرت به صدور قرارهائي مي نمايند که تاثيري در نتيجه امر نداشته و موجب تطويل زمان رسيدگي و تاخير در قطعيت ماليات مي شود.

بديهي است استفاده از چنين روشي در حالیکه پرونده امر از هر لحاظ روشن و معد صدور رأي است، مناسب شئون و جايگاه ارزشمند و اختيارات قانوني هيأتهاي حل اختلاف نبوده و لازم است با اجتناب از اين روش، نسبت به مورد مطروحه اقدام و رأي موافق مقررات صادر و پرونده امر در اسرع وقت تعيين تکليف شود و منحصرأ در مواردی مبادرت به صدور قرار گردد که منطبق با مقررات آيين نامه سازمان تشخيص باشد.

5-2-7- به دلالت حکم ماده 248 قانون ماليات هاي مستقيم و بنا به عمومات حقيقي مربوط به اصول دادرسي لازم است متن آراء صادره از هيأتهاي حل اختلاف مالياتي با رعايت قواعد نگارش، انشاء و متضمن استحکام دليل و توجيهات کافي باشد و از بکار بردن جملات و عبارات کلي يا انشاء رأي به نحوي که حاکی از ترديد و عدم يقين هيأت حل اختلاف مالياتي به صحت رأي باشد، اجتناب شود تا حدي که اصولاً مامورين تشخيص و مؤديان مالياتي حسب مورد از مراجعه به مراجع حل اختلاف بعدي منصرف و بي نياز شوند. همچنين لازم است متن آراء صادره واجد جنبه تعليماتي نيز باشند تا مامورين مالياتي در آينده از تکرار اشتباهات خود نسبت به همان مؤدي در سنوات بعد و ساير پرونده هاي مشابه خودداري نمايند.

6-2-7- هيأتهاي حل اختلاف موضوع ماده 257 در رسيدگي و صدور آراء مکلف به رعايت آراء شعب شوراي عالي مالياتي يا ديوان عدالت اداري حسب مورد مي باشند و در صورت عدم رعايت اين حکم مهم و اساسي، دادستان انتظامي مالياتي اقدامات لازم معمول خواهد نمود.

3- رسيدگي به اختلافات توسط شوراي عالي مالياتي

شوراي عالي مالياتي که اعضاء آن از متخصصين و مجربين و صاحب نظران مالياتي هستند، نقش بسيار مهم و مثبتی در اعاده امور به مجاري قانوني و اقامه حق دارند و اگر چه شعب آن در رسيدگي به شکايات واصله از آراء هيأتهاي حل اختلاف

مالیاتی بنا به حکم قسمت اخیر ماده 256 از ورود در ماهیت منع شده اند، لکن چون به موجب صدر ماده مذکور مقنن شکایاتی را که تلویحاً نیز مبنی بر نقض قوانین یا عدم رعایت مقررات موضوعه یا نقض رسیدگی باشد قابل رسیدگی در شعب شورای عالی مالیاتی شناخته است و از آنجاییکه بسیاری از مؤدیان مالیاتی به لحاظ عدم اطلاع کافی از جزئیات و تفصیل مقررات ممکن است نتوانند آنطور که باید و شاید شکایات خود را از آراء هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی با استفاده دقیق از نکات و ظرایف حقوقی و قانونی تشریح و اعلام نمایند، لذا منع ورود در ماهیت از نظر موازین قانونی و اصول حقوقی و لزوم اقامه حق نباید توسط شورای عالی مالیاتی به نحوی تعبیر و اجرا شود که مؤدیان مالیاتی که در ادعا و شکایت خود محق هستند از احقاق حق خود توسط این مرجع عالی مایوس و متوسل به مراجع دیگر شوند، بلکه در مواردی که شعب شورای عالی مالیاتی مواجه با پرونده‌های مالیاتی می‌شوند که مطالبه مالیات بدون رعایت مقررات مندرج در ماده 237 صورت پذیرفته و هیأت حل اختلاف مالیاتی هم در رأی صادره این عدم رعایت مقررات را نادیده گرفته و به موارد اعتراض مؤدی به قدر کافی رسیدگی نکرده و رأی مورد شکایت از استحکام دلیل و توجیهات کافی برخوردار نیست و مجموع این عوامل موجبات شکایت مؤدی را فراهم کرده است، و لو اینکه شکایت واصله مبنی بر زیادتی یا ناعادلانه بودن مالیات به تصریح حاکی از نقض مقررات یا عدم کفایت رسیدگی نباشد، با توجه به دلالت و تسری مفهوم کلمه ((تلویحاً)) به چنین مواردی، لازم است با تصریح به موارد عدم رعایت یا نقض مقررات یا نقض رسیدگی نسبت به نقض رأی مورد شکایت و فراهم نمودن شرایط لازم قانونی برای تجدید رسیدگی و احقاق قانونی مؤدی اقدام لازم به عمل آورد. تا از مراجعه شکات به مراجعی مانند دیوان عدالت اداری یا هیأت موضوع ماده 251 مکرر ممانعت شود. علاوه بر این شأن و اهمیت اختیارات و وظایف شورای عالی مالیاتی اقتضاء می‌کند متون آراء صادره از شعب آن از هر حیث جامع و مانع و متضمن نکات و دقائق مهم تعلیمی و ارشادی نیز باشد تا هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و مامورین تشخیص با استفاده از آراء مزبور از تکرار روش اشتباه و اقدامات خلاف مقررات در آینده خود داری نمایند.

8- مدیران و رؤسا و هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و ممیزین کل واحدهای مالیاتی بایستی از اختیارات قانونی خود با اعتماد به نفس و پذیرش کامل مسئولیت و درک وظایف خطیری که به عهده دارند استفاده و بدون هیچ تردید و تزلزلی در جهت اجرای صحیح قوانین و مقررات و اصول عدالت مالیاتی و اقامه حق کوشش و از مکاتبات غیر ضروری در خصوص موارد جزئی و قابل حل در محل، با معاونت درآمدهای مالیاتی و شورای عالی مالیاتی و دفتر فنی مالیاتی و سایر مراجع احتراز نمایند و هرگاه کسب نظر مراجع مذکور را ضروری تشخیص دهند، الزاماً باید با رعایت سلسله مراتب اداری اقدام و استعلام باید حسب مورد متضمن نظر هیأت حل اختلاف مالیاتی یا ممیز کل ذیربط باشد.

9- با تأکید مجدد بر ضرورت اجرای صحیح و کامل این دستورالعمل، مسئولیت حسن اجرای آن به عهده مدیران کل ذیربط محول و مقرر می‌شود مدیران کل و ممیزین کل مالیاتی مفاد دستورالعمل را حسب مورد برای مامورین واحدهای مالیاتی تحت سرپرستی به طور کامل تشریح و توجیه و با آموزش مداوم مامورین تشخیص مربوط و نظارت دایم بر طرز کار آنها موجبات اجرای صحیح قانون را فراهم و مدیران کل نتایج حاصله را ماهانه و مستقیماً به دفتر اینجانب گزارش نمایند. بدیهی است دادستانی انتظامی مالیاتی نیز حسب وظایف محوله قانونی مستمراً بر نحوه اجرای این دستورالعمل نظارت و موارد تخلف از آن را تحت پیگرد قانونی قرار داده و مراتب را گزارش خواهد نمود. با آرزوی موفقیت عموم کارکنان ساعی و شریف نظام مالیاتی.

حسین نمازی

وزیر امور اقتصادی و دارایی

شماره: 18322

تاریخ: 02/04/1380

پیوست:

پیرو آگهی منتشره در جراید کثیرالانتشار کشور، راجع به اعلام شرایط تسلیم اظهارنامه عملکرد سال 1378 مؤدیان مالیات مستغلات و بهره مندی آنان از مزایای طرح خوداظهاری (بشرح تصویر آگهی پیوست)، ترتیبات انتخاب و رسیدگی به تعدادی از پرونده‌های مشمول طرح خوداظهاری موضوع قسمت اخیر حکم ماده 158 قانون مالیات‌های مستقیم، عیناً برابر مندرجات دستورالعمل شماره 51092 مورخ 24/10/78 که نسخه‌ای از آن ضمیمه این دستورالعمل می‌باشد، تعیین می‌گردد. مقتضی است ضمن صدور دستور تسریع در رسیدگی، نتیجه را تا آخر مرداد ماه سال جاری گزارش نمایید.

علی اکبر عرب مازار

معاون ن درآمدهای مالیاتی

شماره: 55/17337/ب

تاریخ: 09/04/1380

پیوست:

در اجرای بند (3) تبصره (5) قانون بودجه سال 1380 کل کشور و به استناد نظریه شماره 6697 مورخ 9/3/80 معاونت محترم حقوقی و امور مجلس وزارت متبوع و نامه شماره 8827 مورخ 27/3/80 مقام عالی وزارت مفاد بخشنامه شماره 55/10168/ب مورخ 23/8/78 خزانه کان لم یکن اعلام می‌گردد ضمناً استناد موارد مورد اشاره در سال جاری در خصوص چگونگی وصول سه در هزار درآمد مشمول مالیات از اشخاص حقیقی و حقوقی دارای کارت بازرگانی و نحوه مصرف آن به موجب بخشنامه شماره 17504 مورخ 29/3/80 معاونت محترم درآمدهای مالیاتی وزارت متبوع مراتب به کلیه مراجع ذیربط ابلاغ گردیده است.

یحیی آقالو

مدیرکل خزانه

شماره: 14009

تاریخ: 24/04/1380

پیوست:

چون به موجب نامه شماره 106073 مورخ 19/4/80 وزارت صنایع و معادن برخی از حوزه های مالیاتی از اعمال 20% معافیت درآمد مشمول مالیات ابرازی مصرح در تبصره 4 ماده 132 اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه 1366 و اصلاحیه های بعدی آن نسبت به واحد هایی که دارای درآمد حاصل از فعالیتهاى مذکور در تبصره یاد شده هستند و از طرف وزارت صنایع و معادن برای آنها کارت شناسایی با ارزش پروانه بهره برداری صادر شده است، منحصراً به این دلیل که در متن تبصره موصوف به عبارت ((پروانه بهره برداری)) تصریح شده و از کارت شناسایی سخنی به میان نیامده است خودداری می نمایند، لذا با توجه به اینکه حسب اعلام و مستندات ارایه شده توسط وزارت صنایع و معادن کارت شناسایی با ارزش پروانه بهره برداری بر اساس دستورالعمل شماره 1/4007 مصوب 20/4/73 و تجدید نظر شده در تاریخ 26/10/73 معطوف به مصوبه 30/6/64 شورای عالی صنایع صادر و به موجب دستورالعمل مزبور در صدور کارت ارزش آن معادل پروانه بهره برداری درج و اعلام گردیده است و از طرفی به موجب ماده 4 قانون تشکیل شورای عالی صنایع مصوبات این شورا برای کلیه دستگاهها لازم الاجراء می باشد، به لحاظ اجرای صحیح مقررات و اتخاذ رویه واحد در کلیه های مالیاتی، مقرر می شود:

حوزه های مالیاتی معافیت از تبصره 4 ماده 132 اصلاحی را در مورد کلیه واحد هایی که دارای درآمد حاصل از فعالیتهاى مذکور در تبصره یاد شده بوده و برای آنها به جای پروانه بهره برداری کارت شناسایی با ارزش پروانه بهره برداری صادر شده است، در صورت حصول سایر شرایط مقرر در قانون اعمال نمایند. بدیهی است در مواردی که بعضی از حوزه های مالیاتی قبل از صدور این دستورالعمل از اعمال معافیت مورد نظر فقط به صرف صدور کارت شناسایی با ارزش پروانه بهره برداری به جای پروانه بهره برداری خودداری کرده باشند مکلفند بدون فوت وقت و با رعایت مقررات نسبت به اعاده حق قانونی مؤدیان ذیربط سریعاً اقدام نمایند.

حسین نمازی
وزیر امور اقتصادی و دارایی

مواد قانونی وابسته

ماده 238 - در مواردی که برگ تشخیص مالیات صادر و به مؤدی ابلاغ می شود، چنانچه مؤدی نسبت به آن معترض باشد می تواند ظرف سی ...



سامانه عملیات الکترونیکی موذیان مالیاتی
بیانیه حریم خصوصی
شناسنامه خدمات سازمان امور مالیاتی کشور
سامانه مالیات بر ارزش افزوده

سایر سامانه ها ...

آدرس: میدان امام خمینی، خیابان صور اسرافیل خیابان داور، سازمان امور مالیاتی کشور
کد پستی: 1114943661
صندوق پستی: 1651-11115
تلفنخانه 39903990

کلیه حقوق این سامانه برای سازمان امور مالیاتی کشور محفوظ می باشد.
سازمان امور مالیاتی کشور همواره از پیشنهادات و انتقادات سازنده شما موذیان گرامی استقبال می نماید.



intamedia.ir © 2019